

دیپلمات‌ها

تاریخ شفاهی وزارت امور خارجه

آزادی گروگان‌های سفارت آمریکا

تدوین: حسن علی‌بخشی

معاینه پزشکی گروگان‌ها پیش از آزادی

● پس از امضای بیانیه‌های آزادی گروگان‌ها، پرواز گروگان‌ها بـرآر ۳۰ دی ۱۳۵۹ (۲۰ ژانویه ۱۹۸۰) تعیین شد. هیئت الجزایری با همه گروگان‌ها ملاقات کرده بودند و اکنون در آستانه عزیمتشان باید سلامت آنها بـرای ما و طرف مقابل روشن می‌شد. با دوستم دکتر حمید سهراب‌پور متخصص بیماری‌های ریه و مجاری تنفسی تماس گرفتم. زمان اقامتم در آمریکا او در نیویورک در حال گذراندن دوره تخصص خود بود. من در جریان فعالیت‌های اسلامی با دکتر آشنا شده بودم. بنابراین از او خواش کردم تا برای انجام معاینات مسئولیت تیم پزشکی را برعهده گیرد. ایشان با لطف و اخلاص همیشگی خود این امر را به شایستگی انجام داد. معاینه گروگان‌ها یک روز کامل وقت گرفت. آن روز دکتر سهراب‌پور و گروه همراه ایشان را با تمهیداتی که من و هیئت الجزایری تجربه آن را داشتیم، به محل اقامت گروگان‌ها بردند، با چشمان بسته و بدون اینکه بتوانند مسیر را ببیند. ایشان از موضوع مأموریت مطلع بود. اما قرار نبود تیم پزشکی و پیراپزشکی همراه ایشان چیزی از این موضوع بدانند. بنابراین تمهیداتی این‌چنین مایه شگفتی آنان و تا حدودی موجب ترس و نگرانی‌شان نیز شده بود!
ظاهرا جان لیبرمت، گروگان فارسی‌دان که بعدا مسئول میز ایران در وزارت خارجه آمریکا هم شد، در جریان معاینات خاطره‌ای در ذهن دکتر سهراب‌پور باقی گذاشته بود. دکتر می‌گفت هنگام معاینه یکی از گروگان‌ها در حالی که با هم انگلیسی حرف می‌زدیم، ناگهان شروع به فارسی حرف‌زدن کرد، به تعبیر دکتر «از نوع چاله‌میدانی آن». وقتی دکتر از او درباره نحوه یادگیری فارسی می‌پرسد، او جواب می‌دهد: «همان‌طور که شما انگلیسی یاد گرفته‌اید»

پرواز گروگان‌ها

سرانجام زمان آزادی گروگان‌ها فرارسید. دنیا در تب‌وتاب بود و همه میکروفون و دوربین‌ها به سمت ایران. روی پلکان هواپیمای الجزایری در فرودگاه مهرآباد ایستاده بودم. اسامی ۵۲ گروگان آمریکایی را در دست داشتم و یک مسئول الجزایری نیز کنارم بود. گروگان‌ها یک به یک از کنارما رد می‌شدند و نامشان را روی فهرست نشان می‌دادند و آن مسئول علامتی کنار نامشان می‌زد.نمی‌دانستم گروگان‌ها در دوره بازداشتشان به تلویزیون یا روزنامه دسترسی داشتند یا خیر، ولی اگر داشتند، چه‌دام باید برایشان آشنا بود. البته روشن بود که مردم آمریکا با نام و مسئولیت‌آشنایی کامل دارند و این مطلب را از سبیل نامه‌هایی فهمیدم که بعد از آزادی گروگان‌ها از نقاط مختلف این کشور دریافت کردم.بروس لینکن، کاردار سفارت که در محل وزارت خارجه نگهداری می‌شد، مرا به خوبی می‌شناخت. به‌هرحال او در شرایط بهتری بود و چه‌بسا اطلاعات بیشتری نیز از روند ماجرا و دست‌اندرکاران آن داشت. او یک بار مرا در محل نگهداری خود در وزارت خارجه دیده بود و شاید خاطره‌ای از آن دیدار در ذهن داشت. او هنگام بالارفتن از پله‌ها هواپیمای عبور از کنارم، تمام‌قد رو به من ایستاد و با احترام کامل دست داد و گفت: «منی‌دامن چطور باید از شما تشکر کنم، آقای عزیز!» بعد از پرواز آزادی قرار بود که بلافاصله به‌اتفاق بهزاد نبوی در یک برنامه زنده تلویزیونی شرکت کنیم. مردم نیز تشنه دانستن اخبار مربوط به انحطاط بیانیی این ماجرای کش‌دار و پرزوروار بودند. شب از نیمه گذشته بود که به استودیوی تلویزیون در ساختمان پخش رسیدیم؛ آن هم با چه‌راهی خسته و ظاهری نه‌چندان مرتب که نتیجه چند شبانه‌روز بی‌خوابی و دوندگی مداوم بود. قبلا در این خصوص از مردم تحلیل‌هایی نیز ضبط و پخش شده بود.بر اساس محور مشترک تحلیل نبوی و بنده، این میوه رسیده بود و باید چیده می‌شد، ماندن آن در درخت حاصلی جز کندی‌ن نداشته! روزهای بعد از آن نیز کنفرانسی مطبوعاتی با حضور خبرنگاران داخلی و خارجی در محل کاخ نخست‌وزیری با بهزاد نبوی برگزار کردیم. بـا این حال، پرواز گروگان‌ها از تهران با لحظات بیانیی ادای سوگند ریکان در کنگره آمریکا برای آغاز دوره ریاست‌جمهوری مقارن شد. بنابر نوشته نیویورک‌تایمز در شماره ۳۰ ژانویه ۱۹۸۰، کارت پس از دو شب بی‌خوابی در تلاش برای حل مسئله گروگان‌ها به سود خود و حزبش، مستقیما از واشنگتن به موطن خود پرواز کرد. بنا بر نوشته نیویورک‌تایمز، کارت ساعت ۸:۳۱ صبح آن روز آزادی قریب‌الوقوع گروگان‌ها را به اطلاع ریکان رسانده بود، اما ریکان در سخنرانی مراسم سوگند خود اشاره‌ای به این رخداد نکرد.
ظاهرا مایل نبود تا زمانی که گروگان‌های آمریکایی فضای ایران را ترک نکرده‌اند دراین‌باره مطلبی بگوید، اما او در ساعت ۲:۱۵ بعدازظهر همان روز از فرصت صرف ناهار برای بیان نخستین اظهارنظر خود دراین‌باره سود جست و با لبخند خج خود به پهنای صورت و دهان گشوده گفت: «دقیقه ۳۰ پیش هواپیمای حامل زندانیان ما فضای ایران را ترک کرد و اکنون از دست ایران خلاص شده‌اند.

منبع: خاطرات احمد عزیزی، مسئول کارگروه آزادی گروگان‌ها سفارت آمریکا

●رئیس اداره تاریخ شفاهی وزارت خارجه

دیپلماسی

برشی از کتاب جدید خاطرات دیپلمات کهنه‌کار آمریکایی

ماجرای پیشنهاد ویلیام برنز به جلیلی



جوزف برنز (William Joseph Burns) دیپلمات کهنه‌کار آمریکایی ۵۸ساله، معروف به بیل برنز، مسلط به زبان‌های عربی، فرانسوی و روسی بوده و کارشناس مسائل خاورمیانه است. او بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ در روسیه و از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۱ در اردن سفیر آمریکا بوده و از جولای سال ۲۰۱۱ به‌عنوان فرد شماره دو وزارت خارجه آمریکا فعالیت می‌کرده است. برنز در قالب بورسیه مارشال موفق به کسب دکترای روابط بین‌الملل از دانشگاه آکسفورد شده است. ویلیام برنز در سال ۲۰۰۸ و در دوران ریاست‌جمهوری جورج دبلیو بوش، مأموریت یافت با مقام‌های

کشورمان در سوئیس دیدار کند. او در دولت باراک اوباما نیز از اصلی‌ترین چهره‌های مذاکرات با تهران بوده است. برنز در سخنانی در کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان آمریکا در ۹ جولای ۲۰۰۸ گفته بود: «فشار ایران یک‌رشته چالش‌های بسیار جدی، بیش از تمام مسائلی که ما امروزه با آن مواجه هستیم، متوجه جامعه بین‌المللی می‌کند». معاون وزیر خارجه آمریکا که در جریان مذاکرات هسته‌ای با ایران حضور داشت، دی‌ماه سال ۹۲، یعنی چهار ماه بعد از شروع مذاکرات هسته‌ای، در گفت‌وگو با المانیور گفته بود: تیم ایرانی‌که با آنها روبه‌رو هستیم، به‌شدت متبحر، حرفه‌ای و سرسخت است

بغداد دنبال آشتی تهران-ریاض

میهمان عراقی با دستور کار میانجیگری

العربی الجدید نیز سراغ منبع دولتی و آگاه رفته و به نقل از او نوشته است: «نخست‌وزیر عراق مشکلات خاورمیانه را مرتبط با یکدیگر می‌داند و بر این باور است که بدون حل‌کردن همه این مشکلات، ثبات در منطقه برقرار نخواهد شد». این منبع آگاه در ادامه این‌گونه توضیح داده: عراق تمایل دارد «به تنش‌های بین ایران و چند کشور منطقه به‌ویژه عربستان سعودی پایان دهد. عراق امیدوار است ثبات در سوریه، یمن و همه کشورهای منطقه برقرار شود؛ زیرا هر جنگ با بحرانی، پس‌لرزه‌هایی برای عراق دارد.... عراقی‌ها یقین دارند آتش هر بحرانی ممکن است به عراق برسد. گروه [تروریستی] داعش، پیش از اینکه به عراق منتقل شود، در سوریه شکل گرفت. این مسئله درباره گروه القاعده و سایر گروه‌های افراطی نیز صدق می‌کند».

دو روز قبل و هم‌زمان با ورود نخست‌وزیر عراق به تهران نیز ایده میانجیگری عراق در برخی از رسانه‌ها مطرح شده بود؛ البته نه از سوی یک رسانه عربی بلکه از طرف رسانه‌ای روسی یک منبع عراقی در گفت‌وگو با خبرنگار «راشادتوی» از «طرح ابتکاری» نخست‌وزیر این کشور برای میانجیگری بین تهران و ریاض سخن گفت.

میانجیگری‌های تکذیب‌شده

این اولین‌باری نیست که ایده میانجیگری بغداد در رابطه تیره تهران-ریاض مطرح شده است. در مدت کوتاهی که دولت فعلی عراق بر مسند کار قرار دارد، مقامات عالی‌رتبه دو کشور سه بار میهمان یکدیگر شده‌اند؛ اولین سفر، اواخر آبان سال قبل با حضور برهم صالح، رئیس‌جمهور عراق، در تهران به وقوع پیوست. سفر دوم به اسفند و حضور چندروزه روحانی و هیئت ایرانی در عراق مربوط است و آخرین سفر نیز در دو روز گذشته و با حضور نخست‌وزیر عراق در تهران رقم خورد. در فقره اول نیز مانند این‌بار، البته با شدت کمتری، بحث میانجیگری بغداد مطرح شده بود.

آن زمان یک روزنامه کویتی نوشت: ایران از رئیس‌جمهوری عراق

و در موضوع منافع ملی ایران مصمم عمل می‌کند. اواسط مذاکرات هسته‌ای، موعد بازنشستگی برنز بود، اما او بنا بر درخواست باراک اوباما، به کار خود، در مذاکرات ادامه داد. نیویورک‌تایمز همان زمان درباره برنز نوشت: ویلیام برنز رئیس هیئتی از کارشناسان وزارت خارجه آمریکا بود که به صورت محرمانه با مقامات ایرانی در نزدیکی شهر مسقط در عمان دیدار داشت و زمینه‌های لازم را برای امضای توافق اولیه هسته‌ای بین ایران و کشورهای غربی فراهم آورد. در زمان مذاکرات حساس بین ایران و آمریکا در ژنو، ویلیام برنز و جیکوب سولویان، یکی از دستیاران هیلاری کلینتون که هم‌اکنون مشاور جو بایدن، معاون رئیس‌جمهور است، از طریق راه‌های مخفیانه و با واسطه‌هایی، نظر مقامات ایرانی را به جان کری و وندی شرمن در هتل منتقل می‌کردند. او هفته گذشته در یک موضع‌گیری گفته بود: «مسئولان ایران اکنون با خونسردی فکر می‌کنند که آمریکا پس از سال‌ها تلاش برای انزوی ایران، در نهایت به خروج از برجام خوش را منزوی کرده است. تحریم‌های آمریکا به اقتصاد ایران لطمه زده است، اما هدف واقعی دولت آمریکا دستیابی به یک توافق هسته‌ای بهتر با ایران نیست؛ بلکه دولت فعلی آمریکا دنبال سرنگونی یا انفجار ایران از داخل است. اگرچه ایران تحت فشار است، اما فکر نمی‌کنم این استراتژی به هیچ‌یک از دو نتیجه مدنظر آنها برسد، راه‌حل مفیدتر، سرمایه‌گذاری و تکیه بر توافق هسته‌ای است. هرچند این توافق بی‌نقص نیست، اما در دیپلماسی به‌ندرت امر کاملی وجود دارد».

بغداد دنبال آشتی تهران-ریاض

میهمان عراقی با دستور کار میانجیگری

خواسته تا میانجی رابطه تهران و ریاض شود. این خبر البته دوام زیادی نداشت و با تکذیبیه دفتر اطلاع‌رسانی ریاست‌جمهور به پایان رسید. در آن بیانیه آمده بود: «خبر منتشرشده از سوی برخی از رسانه‌های کشورهای حاشیه خلیج‌فارس مبنی بر میانجیگری «برهم صالح»، رئیس‌جمهور عراق، بین تهران و ریاض و پیشنهاد گفت‌وگوی دو کشور کاملاً نادرست بوده است». هرچند در ادامه همان بیانیه تأکید شده بود که هدف سفر منطقه‌ای «برهم صالح»، رئیس‌جمهوری عراق، به‌منظور مقابله با تبعات درگیری‌های منطقه‌ای بوده و عراق به اندازه توان خود برای وساطت تلاش می‌کند. پیش از این نیز در مرداد سال ۹۶ و در جریان سفر قاسم الاعرجی، وزیر کشور عراق به تهران، او مدعی شده بود «محمد بن‌سلمان، ولیعهد عربستان، رسماً از او درخواست کرده بغداد میان تهران و ریاض برای کاهش تنش میانجیگری کند». الاعرجی بیست‌وهفتم تیر همان سال به عربستان سفر کرده بود و با محمد بن‌سلمان، ولیعهد عربستان، دیدار و گفت‌وگو کرد؛ اما این مقام عراقی تا حضور در تهران هیچ اظهارنظری دراین‌باره نکرده بود.

رابطه پیچیده ۲ کشور

رابطه ایران و عربستان در دوره محمود احمدی‌نژاد فضای سردی را تجربه کرد؛ با وجود این، سفرای هر دو کشور در پایتخت کشور همسایه مشغول به کار بودند. با روی‌کار آمدن دولت حسن روحانی، همه منتظر بودند یخ رابطه این دو کشور مسلمان باز شود. ظریف و رئیس‌جمهور نیز بارها به قصد و تمایل خودشان برای برقرارشدن رابطه مناسب با عربستان اشاره کردند؛ اما تقدیر سیاست خارجی دولت یازدهم به برجام و گروه ۱+۵ گره خورد. چند سال آخر نیز دیگر ریاض سفیری در ایران نداشت؛ اما هنوز آبداریکه‌ای از رابطه بین دو کشور برقرار بود تا آن روز سیاه؛ ۱۲ دی ۱۳۹۴؛ روزی که ایرانیان معترض به اعدام شیخ نمر، روحانی شیعه و مخالف دولت عربستان، به خیابان آمدند و مابقی داستان...

برای اطمینان حاصل‌کردن از پایبندی ایران به تعهدات حراستی ایران درباره این‌بی‌تی و همچنین دیگر تعهدات آن به‌طور جدی حمایت می‌کند و از کشورهای سازمان ملل می‌خواهند تا به صورت گسترده‌تر، با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای تأمین منابع لازم در راستای اجراکردن این نقش‌خطیر همکاری کنند. کشورهای گروه هفت در ادامه اظهارات خود درباره ایران در این بیانیه، درخواست گراف خود مبنی بر کاهش فعالیت‌های ایران در زمینه موشک‌های بالستیک را تکرار کرده و ضمن ابراز «نگرانی زیاد» درباره فعالیت‌های ایران در زمینه موشک‌های بالستیک که ادعا می‌شود با قطع‌نامه‌های سازمان ملل سازگار نبوده و به افزایش تنش‌ها و بی‌ثباتی در منطقه کمک می‌کند، از ایران درخواست کردند تا فوراً فعالیت‌های خود را در موضوع موشک‌های بالستیکی که ادعا می‌شود توان حمل جنگ‌افزار هسته‌ای دارند؛ ازجمله پرتاب موشکی با استفاده از فناوری بالستیک را متوقف کند.

این کشورها همچنین در بیانیه خود با طرح این ادعا که ایران با اقدامی غیرقانونی، فناوری موشک‌های بالستیک را به عاملان دولتی و غیردولتی (در کشورهای دیگر) می‌دهد، خواستند تا این اقدام متوقف شود و همچنین مطرح کردند که به فعالیت‌خود در زمینه مقابله با آنچه اشاعه منطقه‌ای موشک‌های بالستیک و انتقال غیرقانونی تسلیحات از سوی ایران خوانده شده است، ادامه می‌دهند. گروه هفت ضمن اشاره به پایبندی خود به معاهده‌های بین‌المللی اظهار کردند که از مسئول‌بودن ایران و کره شمالی در برابر تعهدات بین‌المللی خود اطمینان حاصل خواهند کرد.

کوتاه دیپلماسی

دستیار وزیر امور خارجه به کاراکاس رفت

● **ایرنا:** دستیار وزیر و مدیرکل آمریکای وزارت امور خارجه در صدر هیئتی به منظور تداوم رایزنی‌ها درباره شرایط ونزوئلا شب گذشته عازم این کشور شد.
سفر «محسن بهاروند»، مدیرکل آمریکای وزارت امور خارجه، به کاراکاس در راستای تداوم رایزنی‌های سیاسی دو کشور درباره شرایط داخلی این کشور و بررسی راه‌های تقویت و گسترش بیشتر روابط و همکاری‌های سیاسی و اقتصادی خواهد بود.
دستیار وزیر امور خارجه اسفند سال گذشته نیز به منظور گفت‌وگو با مقامات روسیه درباره بحران ونزوئلا به این کشور سفر و با همتایان روس خود در مسکو به دیدار و تبادل نظر پرداخت. بهاروند در دیدار با «باریسکنو گورگی یوگنیوویچ»، مدیرکل آمریکای شمالی و «آلکساندر شتینین»، مدیرکل آمریکای جنوبی وزارت خارجه روسیه، ضمن تأکید بر قانونی‌بودن دولت «نیکلاس مادورو»، رئیس‌جمهوری ونزوئلا، گفت: ایران با دخال‌ت خارجی در مسائل داخلی ونزوئلا و با اقدامات یک‌جانبه خلاف منشور ملل متحد ازجمله دخالت در امور داخلی کشورها و تهدید به استفاده از زور علیه دولت ونزوئلا مخالف است.
ونزوئلا از ژانویه سال ۲۰۱۹ و در پی اعلام ریاست‌جمهوری خودخوانده «خوان گوایدو»، رئیس مجمع ملی این کشور، با بحران روبه‌رو شده است. آن زمان آغاز بحران، جمهوری اسلامی ایران همواره بر قانونی‌بودن دولت «نیکلاس مادورو» تأکید کرده و درباره دخالت‌های خارجی در این کشور هشدار داده است.

نگاه بیرون

تصمیم دشوار ترامپ با پایان معافیت تحریم نفتی ایران

● شبکه بلومبرگ در گزارشی با اشاره به اینکه معافیت از تحریم‌های نفتی ایران به‌زودی به پایان می‌رسد، تأکید کرد: ترامپ اکنون با یک انتخاب دشوار روبه‌رو است؛ چراکه باید میان تشدید فشار بر ایران و قیمت پایین‌تر نفت یکی را انتخاب کند. بلومبرگ در این گزارش می‌نویسد: معافیت از تحریم‌های آمریکا علیه ایران که به چند کشور اجازه می‌دهد به خرید نفت از ایران ادامه دهند، به‌زودی پایان خواهد یافت، اکنون باید سید که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، پس از این چه تصمیمی خواهد گرفت که تأثیری بزرگ بر بازار جهانی نفت خواهد داشت، ضرب‌الاجل دولت آمریکا برای تصمیم‌گیری درباره تمدید معافیت چند خریدار بزرگ نفت ایران از تحریم‌ها کمتر از یک ماه دیگر به پایان خواهد رسید و دونالد ترامپ با یک انتخاب پیچیده و دشوار روبه‌رو خواهد بود. او بدون شک می‌خواهد فشار را بر این کشور حاشیه‌خلیج فارس افزایش دهد؛ اما به انجام چنین کاری با خطر بالارفتن قیمت نفت مواجه خواهد شد. براین‌هاوک، نماینده ویژه دولت آمریکا در امور ایران، هفته گذشته به خبرنگاران گفت بر این باور است که شرایط بازار جهانی نفت برای تسریع روند به‌صفررساندن خرید نفت از ایران در ۲۰۱۹ بهتر از سال گذشته است؛ اما رقم‌ها (در بازار) داستان دیگری را نقل می‌کنند. بلومبرگ در ادامه با اشاره به افزایش ۵۰درصدی قیمت نفت در تعطیلات کریسمس گزارش داد: بااین‌حال معافیت از تحریم‌ها به چند کشور اجازه داد تا برای یک دوره شش‌ماهه همچنان از ایران نفت خریداری کنند. این معافیت از تحریم نفتی ایران که در ماه نوامبر ۲۰۱۸ اعمال شد، برای هشت کشور، شامل ژاپن، چین، کره جنوبی، ترکیه، هند، ایتالیا، یونان و تایوان در نظر گرفته شده است. طبق ارزیابی‌ها روزانه ۱.۷۶ میلیون بشکه نفت و محصولات نفتی ایران در ماه مارس از این کشور صادر شد و در مقایسه با ۱.۴۲ میلیون بشکه در فوریه افزایش داشته است.تحریم‌های رئیس‌جمهور ترامپ با وجود اعطای معافیت کمتر، تنها کمی از تحریم‌هایی که رئیس‌جمهور پیشین آمریکا علیه ایران وضع کرده بود، سخت‌تر است. این امر بدون شک انگیزه‌ای برای او خواهد بود تا فشار بر این کشور را تشدید کند؛ اما ترامپ ماه آینده (میلادی) برای اینکه بخواهد به تحریم سخت‌تر بگردد، به دشواری‌هایی روبه‌رو است، بدترشدن شرایط در دو کشور تولیدکننده نفت، یعنی ونزوئلا و لیبی سبب شده است تا سخت‌ترکردن تحریم‌ها علیه تهران مشکل‌تر باشد.اکنون ترامپ با دو گزینه مواجه است، معافیت سه کشور را که هیچ‌گاه از این فرصت خود استفاده نکرده‌اند، تمدید نکند که در واقع تأثیری هم بر بازار نخواهد داشت و ادعا کند که به ایران سخت‌ترگرفته است؛ یا اینکه تحریم‌هایی مانند عربستان یا دیگر اعضای اوپک بخواهد که تولیدش را افزایش دهد؛ اما آنها در مقایسه با سال گذشته تمایل کمتری برای این کار دارند.دراین‌میان ترامپ اگر بخواهد میان تشدید فشار بر ایران و قیمت پایین‌تر نفت یکی را انتخاب کند، ملاحظات داخلی نیز تأثیرگذار خواهد بود. انتظار می‌رود که او توییت‌های بیشتری را خطاب به عربستان و اوپک منتشر کند و معافیت پنج کشور از هشت کشور را تمدید کند که تا حدی حجم خرید نفت (از ایران) را –اگر نه به طور کامل- کاهش خواهد داد.